

از ماست که بر ماست

مؤلف: منیره سالم المرشد

مترجم: پدرام اندایش

از ماست که بر ماست

تمامی مصیبت‌هایی که به ما
رسیده است و می‌رسد و خواهد
رسید، شامل فقر، گرسنگی، ذلت،
چیرگی، اشغال شدن، غارت اموال،
ویرانی سرزمین‌ها، خروج بر حاکمان
و ناتوانی در از بین بردن مکر دشمنان

فقط برای آن چیزی است که ما با
دستان خود کسب نموده‌ایم و از روی
کوتاهی ما در حق پروردگاران و
روی برگرداندن ما از عمل به قوانین
دین ما است که خالق ما جل و علا و
رسول ما ﷺ از آن راضی شده‌اند.

الله تعالیٰ می فرماید: ﴿وَمَا
أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ
وَيَعْفُو عَن كَثِيرٍ﴾ [الشوری: 30] (و هر
مصیبتی از مصیبت‌ها که به شما برسد،
به واسطه‌ی آن چیز است که
خودتان کسب نموده‌اید و باعث می‌-

شود تا بسیاری [از گناهان] بخش یده
شوند).

الله تعالی می فرماید: ﴿وَمَا
أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ﴾
[النساء: 79] (و هر بدیی که به تو
برسد از جانب خودت است).

پیامبر ﷺ فرموده است: «لا
یصیب رجلاً خدش عود، ولا عثره
قدم، ولا اختلاج عرق إلا بذنب، وما
یعفو الله أكثر» (خراشی ناشی از چوبی
و لغزش پای و کشیدگی رگی به
کسی نمی‌رسد، مگر از روی گناهی و
آنچه الله [تعالی به سبب آن مصیبت

را می‌بخشد، بیشتر از [آن گناهی است
که به دلیل آن انسان مصیبت دیده
است]، [سنن ترمذی].

تمامی شکست‌های که به
مسلمانان وارد می‌شود و آنچه که در
اول معرکه‌ی حنین بر آنان وارد شد،
نتیجه‌ی آن چیزی است که مؤمنان

کسب کرده‌اند. تمامی ویرانی‌هایی که
توسط الله تعالی صورت می‌گیرد، و
این گونه پنداشته می‌شود که دلایل
مادی دارند، دلیل آنها فقط از روی
برگرداندن از دین و ظلم به نفس و
رها کردنِ عمل بنفسه می‌باشد و
تأکیدی وجود دارد که تمامی این وارد

دلیل اصلی می‌باشند و سبب‌های
مادی سبب ظاهری هستند.

الله تعالی می‌فرماید:

﴿فَاعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرَمِ﴾

[سبأ: 16] (پس روی برگرداندند و در

نتیجه‌ی آن سیل ویرانگر را بر آنها

فرستادیم).

همچنین الله تعالى می فرماید:

﴿أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ

مِثْلَهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ

أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

[آل عمران: 165] (آیا مصیبتی که [در

عزوه‌ی احد] به شما رسید، این گونه

نبود که شما دو برابر آن را [در عزوه-

ی بدر بر مشرکان] وارد کردید؟
گفتید: این از کجا آمده است؟ بگو: آن
از جانب خودتان است. الله بر هر
کاری تواناست).

آیا نمی بینید: قتل و فتنه‌ها در
عراق، فلسطین و افغانستان و ... و در

هر مکانی است که توحید برای الله
تعالی در آن وجود ندارد!!

آیا نمی بینید: گرسنگی،
بیماری‌ها و سختی و ... بسیاری از ...
در سرزمین‌های اسلامی می‌باشد.

پيامبر ﷺ فرموده است:

«المصائب والأمراض والأحزان في

الدنيا جزاء» (مصیبت‌ها و بیماری‌ها و
غم‌ها در دنیا از روی مجازات است)
[صحیح الجامع].

همچنین فرموده است: «خمس
بخمس، ما نقض قوم العهد إلا سلط
عليهم عدوهم وما حكموا بغير ما أنزل
الله إلا فشا فيهم الفقر، ولا ظهرت فيهم

الفاحشة إلا فشا فيهم الموت، ولا
طففوا المكيال إلا منعوا النبات وأخذوا
بالسنين، ولا منعوا الزكاة إلا حبس
عنهم القطر» (پنج چیز است که
نتیجه‌ی پنج چیز است، قومی عهد
شکنی نمی‌کنند، مگر آن که دشمنشان
بر آنها مسلط می‌شود و [قومی

نیستند] که حکم به غیر آنچه الله نازل کرده است می‌کنند، مگر آن که فقر در بین آنها رواج می‌یابد و فحشا در بین آنها آشکار نمی‌شود، مگر آن که مرگ [مانند طاعون، لیدز، ایبولا، آنفلانزا مرغی و ...] در بین آنها انتشار می‌یابد و کم‌فروشی نمی‌کنند، مگر آن که

گیاهان خشک می‌شوند و دچار
قحطی می‌گردند و از دادن زکات
خودداری نمی‌کنند، مگر آن که باران
و برف قطع می‌شود) [صحیح الجامع،
الطبرانی فی الکبیر].

ابن خیره یکی از اصحاب
علی رضی الله عنه گفته است: «مجازات گناه:

سستی در عبادت، تنگ شدن زندگی
و سختی در لذت است» گفته شد:
سختی در لذت چیست؟ گفت:
«شخص لذت حلالی نصیبش نمی‌-
شود، مگر آن که آن را ناقص می‌-
یابد».

ابن قیم رحمه الله گفته است:
«تمامی کم شدن‌ها، بلاها و شرّها در
دنیا و آخرت به دلیل گناهان و
مخالفت با امر پرورگار می‌باشد. در
جهان شرّی وجود ندارد، مگر آن‌که
علت آن گناهان می‌باشد».

پیامبر ﷺ فرموده است: «ما

تواد اثنان فی الله فیفرق بینهما إذا

بذنب یحدثه أحدهما» (دو نفری

نیستند که برای الله یکدیگر را دوست

داشته باشند و بعد بین آنها جدایی

بیافتد، مگر به علت آن که یکی از

آنها دچار گناه شده باشد) [صحیح
بخاری (بخارایی)].

**گناه و سیئه، اطاعت و حسنه چه
می‌باشند؟**

منظور از حسنات (نیکی‌ها،

جمع حسنه) و سیئات (بدی‌ها، جمع

سیئه) نعمتها و مشکلات می‌باشند.
حسنت همان نعمتها می‌باشد و
اطاعت‌ها همان اعمالی هستند که الله
تعالی آنان را برای هدایت بندگانش
قرار داده است و سیئات همان بلاها
هستند و گناهان همان اموری است که
وقتی بر انسان وارد می‌شود او را

دچار گناه می‌کند. الله تعالی می‌-
فرماید: ﴿وَبَلَّوْنَا هُمْ بِالْحَسَنَاتِ
وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الأعراف:
167] (و آنها را با حسنات و سیئات
مورد آزمایش قرار می‌دهیم، باشد که
بازگردند).

همچنین الله تعالى می فرماید:

﴿وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ
بِهَا وَإِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ
فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ﴾ [الشورى: 48] (و

وقتی از طرف خودمان به انسان
رحمتی را می چشانیم، توسط آن شاد
می گردد و وقتی بدی به واسطه‌ی

آنچه خودشان انجام داده‌اند به آنها
می‌رسد، در این حالت است که او
کفران کننده می‌شود).

به حسنات امر شده است و از

سیئات نهی شده است. الله تعالی می -

فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ

مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ

عَمَلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۸۴﴾

[القصص: 84] (هر کس با حسنه‌ای

بباید برای او بهتر از آن خواهد بود و

کسی که با سیئه بباید، مجازاتی برای

کار سیئه او وجود ندارد، مگر برابر با

آنچه انجام می‌داده است).

الله تعالی در قرآن و سنت بین
این دو فرق گذاشته است. همان گونه
که در حدیث قدسی آمده است: «یا
عبادی، إنما هی أعمالکم أحصیها
لکم، ثم أوفیکم إیها، فمن وجد خیراً
فلیحمد الله، ومن وجد غیر ذلک فلا
یلومن إلا نفسه» (ای بندگانم! آن

اعمال شماست که آنها را برای شما
شمرده‌ایم و بعد از آن آنان را جبران
خواهیم کرد، پس کسی که خیری
یافت، الله را شکر نماید و کسی که
غیر آن را یافت، کسی را جز خودش
ملامت نکند!) [صحیح مسلم].

سیئات از روی جهل می باشد؛
تمامی کسانی که از الله تعالی نافرمانی
می کنند، جاهل هستند و هر کسی که
از الله تعالی خسته یه (ترس از ابهت و
عظمت) داشته باشد، او عالم می باشد.
الله تعالی می فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ
مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ [فاطر: 28] (فقط

بندگانِ الله که عالم باشند از او خشیه دارند). همچنین الله تعالی می فرماید:

﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ﴾ [یس: 11] (فقط کسی را می ترسانی که از ذکر (قرآن) تبعیت کند و پنهانی از [خداوند] رحمان خشیه داشته باشد).

علم باعث ایجاد خشیه می -
شود که نتیجه‌ی آن انجام حسنات و
ترک بدی‌ها می‌باشد و هر نافرمانی،
جاهل است. ابن مسعود رضی الله عنه گفته است:
«علم برای خشیه‌ی از الله کافی است
و برای خود بزرگ بینی جهل کافی
می‌باشد».

الله تعالی برای انسان
فضیلت‌هایی را قرار داده است که
بدین شرح می‌باشند:

1- فطرت: هر فرزندی بر

اساس فطرت اسلام به دنیا می‌آید. الله

تعالی می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ

حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا

لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ﴿٣٠﴾

[الروم: 30] (صورت خودت را حق -

گرایانه به سوی دین بگردان! همان

فطرتی که الله [تعالی] انسانها را بر آن

آفریده است. تغییر در آفرینش الله

وجود ندارد، این است دین استوار).

پیامبر ﷺ فرموده است: «کل
مولود یولد علی الفطرة، فأبواه یهودانه
أو ینصرانه أو یمجسانه كما تنتج
البهيمة بهيمة جمعاء، هل تحسون فيها
من جدعاء» (هر فرزندی بر اساس
فطرت [اسلام] به دنیا می آید و این
پدر و مادر او هستند که او را یهودی

یا مسیحی یا آتش پرست می کنند.
همان گونه که چهارپا، چهارپا به دنیا
می آورد، آیا در بین [فرزندان] آنها
حیوان گوش بریده دیده می شود
[بخاری (بخارایی) و مسلم].

در صحیح مسلم از عیاض بن
حمار آمده است که پیامبر ﷺ فرمود:

«قال الله تعالى: خلقت عبادى حنفاء،
فاجتالتهم الشياطين، وحرمت عليهم ما
أحللت لهم وأمرتهم أن يشركوا بى ما
لم أنزل به سلطاناً» (الله تعالى هـ ي -
فرماید: بندگان را حق‌گرا آفریدم و
شیطانها باعث روی برگرداندن آنها از
حق می‌شوند و آنچه را که برای آنها

حلال کرده‌ام را برای آنها حرام می‌کنند و به آنها امر می‌کنند تا به من شرکی بورزند که دلیل محکمی برای آن شرک ورزیدن نازل نشده است) [مسلم].

2- الله تعالی مردم را به

صورت عمومی هدایت می‌نماید: لاین

هدایت او شامل فطرتی است که برای
آنها قرار داده است تا توسط آن
معرفت و علم بیاموزند و همچنان با
نازل کردن کتاب برای آنها و فرستادن
رسولان به سوی آنها این عمل را
انجام می‌دهد. الله تعالی می‌فرماید:

﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ

الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿﴾ [الرحمن: 1-4]
[خداوند] رحمان * قرآن را
آموخت * انسان را آفرید * و به او
سخن گفتن را آموزش داد.
اما اصل شرّ:

1- عبادت نفس و شیطان و شریک
قرار دادن آنها برای الله متعال و او را
معادل آنها قرار دادن:

انسان به امر شیطان، مرتکب
عمل شرعی شود؛ به همین دلیل
شیطان بر بندگانِ خداوند رحمان
تسلطی ندارند. یا الله! ای پروردگار

جهانیان! ما و پدران و مادران ما و
برادران و مسلمانان مرد و زن را از
آن بندگان رحمان قرار بده! الله تعالی
می‌فرماید: ﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ
عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنْ
الْغَاوِينَ﴾ [الحجر: 42] (برای تو [ای
ابلیس!] قدرتی در برابر بندگان من

وجود ندارد، مگر نادانانی که از تو
تبعیت می‌کنند).

از روی همین اصل، فرعون و
نمرود ادعای خدایی کردند و یهودیان
گفتن عزیر فرزند الله تعالی است و
مسیحیان نیز ادعا کردن که مسیح
فرزند الله می‌باشد و همچنین مشرکانی

در بین امت پیامبر ﷺ گفتند: علی رضی الله عنه همان الله تعالی می باشد^۱ و لین در حالی است که الله تعالی می فرماید:
﴿سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُقُولُونَ عَلُوًّا

¹ - این فرقه را علی الهی یا نصیریه می‌نماید. (مترجم)

كَبِيرًا ﴿[الإسراء: 43] (او پاک و خیلی
بلند مرتبه تر از آن چیزی است که آنها
می گویند).

- اصل شرّ در بین فرزندان بنی -
- آدم شرک ورزیدن به الله تعالی ه ی -
- باشد و آن شریک قرار دادن بندگان
- صالح الله که مرده اند به الله تعالی می -

باشد، در کنار قبر آنها اعتکاف می‌کند و
برای آنها مجسمه‌هایی را قرار
می‌دهند و بعد آن مجسمه‌ها را
پرستش می‌کنند، این امر در بین قوم
نوح وجود داشت. الله تعالی می‌فرماید:
﴿وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا
تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ

وَنَسْرًا ﴿۲۳﴾ [نوح: 23] (و گفتند: معبودان
و پرستش شوندگان خود را رها نکنید
و ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر را
رها نکنید!) و این در حالی بود که الله
تعالی با غرق نمودن اهل زه بین، این
بت‌ها را از بین برد.

2- شرک از طرف شیطان می‌باشد:

کسی که به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» این
نیآورد، به این معنا که غیر از او کسی
شایسته‌ی پرستش و بندگی نمی‌باشد
و واجب است تا او وَعَبَّكَ عبادت شود و
همچنین او وَعَبَّكَ امر فرموده است تا
عبادت شود و عبادتی وجود ندارد،
مگر انجام و یا ترک آنچه که او وَعَبَّكَ در

دینش واجب نموده یا مستحب قرار داده است، گریزی برای او وجود ندارد که باید گرفتار شرک گردد.

برای چه شخص به گناهان مبتلا می‌شود:

الله تعالی انسان را برای عبادت خودش به صورتی یکتا و

بی شریک آفریده است و فطرت انسان
را نیز بر آن قرار داده است و به سوی
آن راهنمایی نموده است و به آن امر
فرموده است و به همین دلیل رسولان
را فرستاده است و کتابهای آسمانی را
نازل نموده است. جهان را در هر
حالتی جلوی او قرار داده است تا

عظمت، وحدانیت، کمال و زیبایی او
سبحانه را بنگرد.

اگر آنچه را که برای آن
آفریده شده است و فطرت او بر آن
قرار دارد و به انجام آن امر شده
است، را انجام ندهد، دچار مجازاتی
می‌شود که همان زینت دادن شرک و

گناهان از طرف شیطان برای او هی -
باشد. الله تعالی می فرماید: ﴿قَالَ اذْهَبْ
فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ
جَزَاءً مَوْفُورًا﴾ [الإسراء: 63] (فرمود:
[ای شیطان!] برو و کسانی که از تو
تبعیت می کنند که جهنم مجازات آنها

می باشد و مجازاتی تمام و کمال
است).

به همین دلیل شیطان، چیرگی
بر کسانی که به الله به صورت یکتا
ایمان دارند، ندارد. الله تعالی می -
فرماید: ﴿إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ *

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ
هُم بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿[النحل: 99-100]

(این گونه است که برای او چیرگی بر
کسانی که ایمان آوردند و بر
پروردگارشان توکل نمودند، وجود
ندارد

* فقط تسلط او بر کسانی است که از

او (الله تعالی) روی بر سر
می گردانند، همان کسانی که برای او
شریک قرار می دهند).

همچنین اخلاص داشتن در
دین از تسلط شیطان و دوستی با
شیطان که باعث عذاب می شود،
جلوگیری می کند. الله تعالی می فرماید:

﴿كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ
 إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ [یوسف:
 24] (این چنین بود که بدی و فحشا
 را از او دور نمودیم، زیرا او از بندگان
 با اخلاص ما بود). [همچنین الله تعالی
 در گفتگوش با شیطان می فرماید:
 ﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * إِلَّا

عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ﴿﴾ [ص: 82 -
[83] [و به هم بین معنا الحجر: 40]
([ابلیس] گفت: به عزت تو قسم که
همه‌ی آنها را گرفتار شرّ می‌کنم *
مگر آن دسته از بندگان که خالص
گشته باشند).

اخلاص بنده در دیدنش برای
پروردگارش، مانعی بر چیزی است که
ضد آن اخلاص می‌باشد و اگر در
دیدنش برای پروردگارش اخلاص
نداشته باشد و به حکمتی که برای آن
آفریده شده است و فطرت و سرشت
او بر آن قرار داده شده است، عمل

نمایند، مجازات او این می شود که
شیطان بر او تسلط می یابد و انجام
سیئات را برای او زیبا جلوه می دهد و
گرفتار کردن او به بی بندوباری
مجازات این می باشد که از الله تعالی
تقوا پیشه نکرده است.

گناه ظلمی از طرف انسان در
حق پروردگارش و نفسش می باشد و
ظلم به نفس به دو طریق صورت
می گیرد:

1- انجام ندادن حسنات.

2- انجام دادن سیئات.

در هر نعمتی فضیلتی وجود
دارد و برای هر سرکشی بی معادلی
موجود می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید:
﴿فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾ [الصف:
5] (وقتی که انحراف یافتند، الله
[تعالی] قلبهای آنان را منحرف
گرداند).

الله تعالی انسان را آفریده است
و خلقت او را بر اساس حرکت و
عمل قرار داده است. اگر در مسیر
حسنات و نیکی‌ها تحرکی از خود
نشان ندهد، به جای آن الله تعالی او را
در سیئات و بدی‌ها حرکت می‌دهد و
قلب چیزی نیست مگر چیزی که

دائماً در حال عمل می‌باشد و نفس
نیز این گونه است؛ به همین دلیل گفته
شده است: اگر نفست را به اطاعت از
الله تعالی مشغول نکنی، تو را به
گناهان مشغول می‌نماید. در سنت
آمده است: «مثل القلب: مثل ریشه
ملقاء بأرض فلاة، وللقلب أشد تقلباً

من القدر إذا استجمعت غلياناً» (مثال
قلب به مانند پری است که در بیابانی
می‌افتد و دگرگونی برای قلب بیشتر
از [دگرگونی برای آن پَر] هـی باشد و
این وقتی است که در آن جوشش
ایجاد می‌شود) [أحمد بن حنبل در
مسندش]. به همین دلیل است که قلب

به این نام نامیده شده است، زیرا
بسیار منقلب و دگرگون می‌شود.

نفس نیز از روی سرشتش

دگرگون می‌شود، آن زنده و متحرک

می‌باشد و خواست یکی از لوازم

زندگی است، به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله

در سنت صحیح فرموده است:

«أصدق الأسماء: حارث و همَّامٌ...»
(صادقانه‌ترین نامها: حارث (کشاورز)
و همام (اهمیت دهنده) است ...)
[ابوداود]، تمامی انسانها کشاورز و
اهمیت دهنده می‌باشند، [کشاورز به
این معنا که برای آخرتشان می‌کارند]
و همام به معنای کسی که اهمیت می‌-

دهد و خواستار است و با خواست
خودش حرکت می‌کند.

چه چیزی بر ما واجب است تا آن را
انجام دهیم و بلید چه امانتی را بر
دوش داشته باشیم؟!

1- عبادت الله تعالى به اندازه‌ی حق
عبادتش و این عبادت همان گونه که
الله سبحانه امر نموده است بلید بر
اساس تبعیت باشد و نه بر اساس
بدعت و دین‌سازی!

در حدیث قدسی آمده است:

«ما تقرب إلى عبدی بشيء أحب إلى

مما افترضته عليه، وما يزال عبدی
یتقرب إلی بالنوافل حتی أحبه. فإذا
أحبته كنت سمعه الذی یسمع به
وبصره الذی یبصر به، ویده الذی
یبطش بها ورجله الذی یمشی بها...»
(بنده با چیزی به من نزدیک می شود
که همان محبوب ترین چیز نزد من

می‌باشد و آن را بر وی واجب نموده‌ام
و بنده‌ام دائماً با انجام نافله‌ها به من
نزدیک می‌شود، تا آن که او را دوست
می‌دارم. وقتی او را دوست داشتم،
گوشش می‌شوم که توسط آن می‌شنود
و چشمش می‌شوم که توسط آن می‌-
بیند و دستش می‌شوم که توسط آن

می‌گیرد و پایش می‌شوم که توسط آن
راه می‌رود... [مسلم]، این همان عمل
به آنچه در قرآن و سنت آمده است
می‌باشد، الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَإِنْ
تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا﴾ [النور: 54] (و اگر از
او (پیامبر ﷺ) اطاعت کنید، هدایت
می‌یابید).

وقتی الله تعالى پروردگار هر
چیزی و مالک، خالق و روزی
دهنده‌ی آن می‌باشد، پس چرا بلید
غیر از او مورد بندگی و پرستش قرار
گیرد؟

انسان بلید بدانند که تمامی
نعمتها از طرف الله تعالى است و کسی

توانایی آن را ندارد، مگر الله متعال.
الله تعالی می فرماید: ﴿مَا يَفْتَحِ اللَّهُ
لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَهُمَا
يُمْسِكُونَ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ﴾ [فاطر:
2] (آنچه الله [تعالی] از رحمتش برای
انسان گشایش ایجاد می نماید، باز
دارنده‌ای برای آن وجود ندارد و آنچه

را که [از او] باز دارد، رساننده‌ای برای
او (انسان) بعد از وی (الله تعالی) وجود
ندارد).

وقتی بداند که از آنجا که
حسنت از طرف الله تعالی می‌باشد،
باید او را شکر نماید، بر وی واجب
می‌شود تا در شکر از الله تعالی و

توکل برای او راستگو و صادق باشد
و همچنین باید بداند که علت به وجود
آمدن شرّ فقط خودش می‌باشد و باید
از آن خود را حفظ نماید و همچنین
باید بداند که شرّ از کجا آمده است،
در این صورت است که برای گرفتار
نشدن به شرّ از آنچه انجام داده است

از پروردگارش طلب آمرزش می‌کند
و توبه می‌نماید و از الله تعالی طلب
کمک می‌نماید و برای آنچه بعد از آن
می‌خواهد انجام دهد، به الله متعال پناه
می‌برد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿فَاعْبُدْهُ
وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ﴾ [هود: 123] (پس او را
عبادت کن و بر وی توکل نما!).

پیش پینیان رضوان الله علیهم
می گفتند: «بنده نباید به چیزی امید
داشته باشد، مگر به پروردگارش و از
چیزی نباید بترسد، مگر از گناهِش».
این همان توحید حقیقی است و جدا
کننده‌ی بین موحد و مشرک می‌باشد

و در این صورت است که پاداشی
برای دنیا و آخرت کسب می‌کند.

2- پاک کردن نفس و مجاهدت
نمودن در برابر هوای آن:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ
خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ
* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾ [النازعات:

40-41] (و اما کسی که از مقام
پروردگارش بترسد و نفس را از
هوای [آن] نهی نماید * پس بهشت
جایگاه او خواهد بود).

خالف هواک ما استطعت فإنما
هواک عدو والخلاف صدیق

جا که می‌توانی با هوایت مخالفت کن!
و دشمن می‌باشد و مخالفت با آن دوست مورد

مؤمن بر انجام گناه اصرار

نمی‌ورزد، بلکه از آن توبه می‌نماید و

این برای او کسب حسنه می‌باشد!!

برای بنده‌ی صالح، گناه سه‌ب

می‌شود تا در برابر الله تعالی ذلیل شود

و فروتنی پیدا کند و او را بخواند و از
او طلب آمرزش نماید و سبب می شود
تا نیازمندی خود را نسبت به الله
تعالی مشاهده کند. الله تعالی گناهان
را نمی بخشد مگر آن که به سبب توبه
از گناهان به مؤمن حسنات راهی -
رساند، حسناتی که بدون آن توبه

ایجاد نمی‌گردد. مؤمن برای گنااهش
بین دو امر می‌باشد:

الف - گاهی توبه می‌نماید و

الله تعالی نیز توبه‌ی او را می‌پذیرد و

به سبب توبه از توأبین (بسیار توبه

کنندگان)

می‌شود، همان کسانی که الله متعال
آنها را دوست می‌دارد.

ب- گاهی نیز مصیبت‌هایی به

او می‌رسد و در نتیجه‌ی صبر بر آن
مصیبت‌ها گناهانش پاک می‌شود و

سه بیئاتش از بین می‌رود و آن صبر باعث می‌شود تا درجاتش بالا رود.^۱

^۱ - حالت‌های دیگری نیز امکان دارد تا به وقوع بپیوندد: مثل شفاعت پیامبر ﷺ در روز قیامت، انجام حسنات و در نتیجه‌ی آن پاک شدن سیئات و بدترین حالت آن که مسلمان داخل جهنم شود و با ازای
=

پیامبر ﷺ فرموده است: «والله

لا يقضى للمؤمن قضاءً إلا كان خيراً
له إن أصابته سراء شكر فكان خيراً له،
وإن أصابته ضراء صبر فكان خيراً له»

=

گناه خود مجازات گردد و بعد به علت
تو حیدش از آن خارج گردد. (مترجم)

(الله تعالی امری را برای مؤمن قرار
نمی‌دهد، مگر آن که آن امر برای
مؤمن خیر می‌شود. اگر شادی به وی
برسد، شکر می‌کند و برایش خیر
می‌شود و اگر سختی به او برسد، صبر
می‌کند و آن نیز برایش خیر می‌شود)
[مسلم].

صبر بر سختی‌ها بزرگتر از

صبر بر شادی می‌باشد. پی‌امبر صلی الله علیه و آله

فرموده است: «أعوذ بك من فتنه الفقر

وشر فتنه الغنى» ([یا الله] به تو پناه

می‌برم از فتنه فقر و از شر فتنه‌ی

ثروتمندی) [بخاری (بخارایی)].

فقر امتحانی است که بس پیاری
بر آن صبر می‌کنند و اصلاح می‌ی-
گردند، ولی ثروتمندی جز عده‌ی کمی
از آن در امان نمی‌مانند. به همین دلیل
بیشتر کسانی که داخل بهشت می‌ی-
شوند، فقیران هستند؛ زیرا فتنه‌ی فقر
آسانتر است و به همین دلیل از بهترین

دعاها این سخن پیامبر ﷺ می باشد:

«اللهم لا تجعلني عبرة لغيري، ولا تجعل أحداً أسعد بما علمتني مني» (یا الله! مرا عبرتی برای دیگران قرار مده! و هیچ کسی را خوشبخت تر از من در آنچه به من آموزش داده‌ای قرار مده!). همچنین فرموده است: «من

سرتة حسنة وساءته سيئته فهو
مؤمن» (كسى كه حسنه او را شاد
گرداند و سيئه او را ناراحت كند،
مؤمن است) [ترمذى].

3- توكل بر الله تعالى و نه تواكل:

الله تعالى هـى فرمليد: ﴿وَمَا

النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾

[آل عمران: 126] (ویاری شدن و پیروزی وجود ندارد، مگر از جانبِ الله بسیار باعزتِ بسیار با حکمت)، الله سبحانه همان قادر، مقتدر و توانا است و در بالا بودنش دارای جلال هـ ی - باشد. اسمها و صفات او مقدس هـ ی - باشند و هر چیزی در دست اوست؛

تمامی پیروزی و شکست، قدرت و
ضعف، عزت و ذلت، ثروتمندی و فقر
و ... همگی در دست اوست. پس
مسلمان باید بر پروردگارش توکل کند
و به اسباب آن توکل عمل نماید و این
باید در حالی باشد که به یاری الله
تعالی یقین داشته باشد و گناهان

خودش را بزرگ ببیند و بلید از
گناهِش بترسد و نه این که از دشمنش
بترسد. زیرا الله تعالی همراه او می-
باشد و می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا
اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ﴾
[الأنفال: 60] (و برای آن [دشمنان] تا

آنجا که می‌توانید، قدرت مهیا سازید
و همچنین مرکب‌هایی [برای جهاد].

4- شناخت حقیقت گناهان، جلوه‌ی

دشمن را در درون‌ها ضعیف می‌کند:

اگر مسلمان بداند که دشمنان

فقط به دلیل گناهانمان بر ما مسلط

می‌شوند و نه به علت قدرتشان و به

علت نافرمانی ما و نه به علت
تعدادشان، روحش را تقویت می‌کند و
آن را رشد داده و از الله عَزَّ وَجَلَّ طلب
آمزش می‌نماید و به سوی او توبه
می‌کند و دائماً در حال توبه و
بازگشت به سوی پروردگارش
سبحانه قرار می‌گیرد.

5- تغییر دادن درونها که همان دلیل

تغییر محیط است:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ﴾

[محمد: 7] (ای کسانی که ایمان

آورده‌اید، اگر الله [متعال] را یاری

دهید، شما را یاری می‌دهد).

همچنین الله تعالى می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا

مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ [الرعد: 11] (الله [تعالی،

وضع و حال] قومی را تغییر نمی دهد،

مگر آن که خودشان را تغییر دهند).



وقتی عقیده‌ی بنده اصلاح می‌گردد،
عملش نیز از اصلاح
می‌شود:

- مسلمانان باید این اعتقاد خود را
عوض کنند که [نعوذ بالله]
پروردگارشان در هر جایی [حتی
در مکانها پست] واقع می‌باشد.

الله عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى
 الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: 5]
 (خداوند [رحمن بر روی عرش
 استقرار دارد) به این معناست که
 او بالا می باشد. همچنین الله تعالی
 می فرماید: ﴿أَمْ أَمِنْتُمْ مِّنْ فِي
 السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا﴾

فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ ﴿١٧﴾ [الملك:

17] (آیا ایمن شدید از کسی که

بر بالای آسمان است بر این که

طوفانی را بر شما بفرستد و در

نتیجه‌ی آن بدانید که ترساندن
چگونه است)^۱.

¹ - عده‌ای می‌گویند: این آیه درباره‌ی
ملائک می‌باشد و این در حالی است که
ملائک جمع می‌باشند و در اینجا فعل به
صورت مفرد آمده است و همچنین از
کسی سخن به میان می‌آید که او بالای
=

=

آسمان است، ولی عمل او بر روی زمین
قرار دارد. باید توجه داشت فقط این الله
تعالی است که می‌تواند در جایی باشد و
عمل خود را در جایی دیگر عملی نماید
و اگر در این آیه منظور این بود که
ملائک این کار را بر روی زمین انجام

=

می فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ
 الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ
 اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ
 وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
 تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
 أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة:
 100] (و اولین کسانی که پیشی

گرفتند از مهاجرین و انصار و
کسانی که از آنها به نیکی تبعیت
می‌کنند، الله از آنان راضی می‌باشد
و آنها نیز از او راضی می‌باشند و
برای آنها باغهایی را مهیا نموده
است که از زیر آن نهرها جاری
است، در آن تا ابد جاویدان

هستند و این کامیابی بزرگی می -
باشد).

● مسلمانان باید عقیده‌ی خود را از
عفونت لائیک و آنچه در اقتصاد
به آن سوسیالیست می‌گویند، تغییر
دهند.

- مسلمانان باید عقیده‌ی خود را از عقیده‌ی جبریه پاک نمایند، و به علت وجود تقدیر از روی جمود و کسالت نگویند که همه زندگی جبر می‌باشد که در این صورت با دینشان مخالفت می‌ورزند.

- مسلمانان باید کینه و حسادت و ... را از روی دست داشتن به خاطر الله تعالی پاک نمایند. پیامبر ﷺ فرموده است: «المسلم أخو المسلم لا يخنه ولا يكذبه ولا يخذله. كل المسلم على المسلم حرام عرضه وماله ودمه. التقوى

هاهنا. بحسب أمرئ من الشر أن
يحقر أخاه المسلم» (مسلمان برادر
مسلمان است، به او خیانت نمی -
کند و به او دروغ نمی گوید و او را
خوار نمی گرداند. ناموس، مال و
خون هر مسلمان برای مسلمان
دیگر حرام می باشد. تقوا اینجاست

[و اشاره نمود به سه پینه‌اش] برای
شرّ بودن شخص همین کافی است
که برادر مسلمانش را تحقیر
نماید [بخاری (بخارایی)].

● مسلمانان بلیه‌د مجالس غیبت و
خبرچینی را به مجالس
خیرخواهی برای الله تعالی عوض

کنند. پیامبر ﷺ فرموده است: «لا
 یدخل الجنة نام» (خبرچین و دو
 بهم زن داخل بهشت نمی شود)
 [متفق علیه]. همچنان الله تعالی
 می فرماید: ﴿وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم
 بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ
 أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾ [الحجرات:

[12] (و کسی از شما از کسی
دیگر غیبت ننماید! آیا کسی از
شما دوست دارد که گوشت مردار
برادرش را بخورد، در حالی که از
آن کراهت دارید).

نفس اگر بر فطرتی باشد که
الله تعالی آن را از ابتدا آفریده است و

دستخوش تغییر نگردد، به معبود بودن
الله و دوست داشتن او اقرار می‌کند و
او را عبادت کرده و به او شرک نمی‌-
ورزد. ولی گاهی فاسد می‌شود و
شیطانهای انسی و جنی آن فساد را
برایش زیبا جلوه می‌دهند.

6- احساس مسئولیت در هر چیزی:

عبد الله بن عمر رضي الله عنهما
أورده است كه رسول الله ﷺ فرمود:
«كلکم راع وكلکم مسئول عن رعیتہ،
الإمام راع ومسئول عن رعیتہ،
والرجل راع فی أهله ومسئول عن
رعیتہ، والمرأة راعیة فی بیت زوجها
ومسئولة عن رعیتها، والخادم راع فی

مال سیده و مسؤل عن رعیتہ، وکلکم
راع و مسؤل عن رعیتہ» (تمامی شما
مسؤل هستید و از تمامی شما
دربارہی زیردستانتان سوال می شود.
امام مسؤل است و از زیر دست خود
سوال می شود. مرد مسؤل خانوادہ اش
است و از زیر دست خود سوال می -

شود. زن مسئول خانه‌ی شوهرش
است و از مسئولیت وی سوال می‌شود -
شود. خدمتکار مسئول مال سرورش
است و از آنچه مسئولیت دارد، سوال
می‌شود و تمامی شما مسئول هستید و
از زیر دستان شما سوال می‌شود)
[صحیح بخاری (بخارایی)]. منظور از

سوال شدن این است برای هر کسی
تکلیفی وجود دارد و به واسطه‌ی
تکلیفش از او حساب و کتاب به عمل
می‌آید.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَقَفُّهُمْ
إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ [الصافات: 24] (و
آنها را نگه دارید، زیرا از آنان سوال

می‌شود). مسئولیت رنج کشیدن برای
اخلاص داشتن در ادا کردن امور
واجب و زنده بودن درون در این که
خود را زیر نظر الله وَعَلَيْكُمْ بداند، می‌باشد
و بر اساس بر پا داشتن این مسئولیت،
سزا و ثواب داده می‌شود.

الله تعالى می فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ
 بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ
 بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا
 يُظْلَمُونَ﴾ [الأنعام: 160] (کسی که با
 حسنه بیلید، برای او ده برابر آن
 خواهد بود و کسی که با سیئه بیلید،
 مجازاتی ندارد، مگر به اندازهی آن و

به آنها ظلم نمی‌شود). همچنانکه بین الله
تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ
إِلَّا مَا سَعَى﴾ [النجم: 39] (و برای
انسان چیزی وجود ندارد، مگر آنچه
برای آن کوشش نموده باشد).

الف - مسلمان مسئول عقیده‌ی

خودش می‌باشد، باید آن را حفظ کند

تا پاک و صاف بماند و نبلید بگذارد
تا پلیدی آن را پلید کند و آنچه الله
تعالی بر او واجب نموده است را انجام
دهد. الله تعالی می فرماید: ﴿وَأَطِيعُوا
اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [آل
عمران: 132] (و از الله و رسول
اطاعت کنید! باشد که مورد رحمت

قرار بگیرید)، همچنين الله تعالى هـ ی -
 فرماید: ﴿وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ
 مِّن رَّبِّكُمْ﴾ [الزمر: 55] (و از
 نیکوترین چیزی که از طرف
 پروردگارتان بر شما نازل شده است،
 تبعیت کنید!)، همچنین هـ ی فرماید:
 ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ

عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴿[الحشر: 7]﴾ (و آنچه
رسول به شما داده است را بگیرید و
از آنچه شما را از آن نهی نموده است،
خودداری کنید!).

ب- مسلمان مسئول نفسش
می باشد که بین دو پهلوی دو می باشد؛
خوشبختی او در دنیا و آخرت

مشروط به این است که راه مستقیم را
بپیماید و عمل صالح انجام دهد. پس
مسلمان باید نفسش را ادب کند و آن
را پاک بدارد و از فاسد شدن آن
توسط اعتقادات باطل جلوگیری کند
و آن را مجبور نماید تا صبر کند و
صبر خود را زیاد گرداند و در آشکار

و نهان خودش را زیر نظر الله تعالی
ببیند و در نتیجه نفس را مجبور به
انجام امور خیر و طاعات نماید همان
گونه که آن را از شرّ و فساد باز می-
دارد و این را باید بداند که درباره‌ی
آن سوال خواهد شد.

الله تعالیٰ می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ
جَاهَدُوا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ
لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [العنكبوت: 69] (و
کسانی که در راه ما جهاد نمایند، آنان
را به راه‌هایمان [مثل نماز، روزه و ...]
هدایت می‌نماییم و الله با نیکوکاران
است).

آن محل پادشاهی الله عَزَّوَجَلَّ می -
باشد، به همین دلیل کشتن آن را به
ناحق حرام نموده است، همان گونه که
انتحار و قرار دادن نفس در هلاکت را
حرام نموده است. الله تعالی می فرماید:
﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ
رَحِيمًا﴾ [النساء: 29] (و خودتان را

نکشید که الله [تعالی] نسبت به شما
مهربان می باشد).

اگر شخص بخواهد اخلاقی را
داشته باشد که به آن عادت ندارد و
برای نفس سخت می باشد، باید با
مجاهدت، نیت صادقانه، تمرین و
آموزش آن را به صورت اخلاقی

ثابت درآورد و آن را تثبیت نماید یا
آن را بر اساس زندگی تربیت کند که
شخص دارای آن می‌باشد و بلید
بدانیم که همه‌ی ما اخلاق و سلوکمان
را از موقعیت خودمان کسب می‌کنیم.

نشأ ناشئ الفتیان منا علی ما کان عوده أب

تمامی ما اخلاق خوب خود را
از روی تربیت خانواده و اجتماع
بدست می‌آوریم و آنچه را که آنها
نیکو دارند، نیکو می‌داریم و آنچه را
که زشت می‌شمارند، زشت می‌شماریم.
باید توجه داشت که سلوک
خیر را با تکرار می‌توان به صورت

عادت در آورد و بس یاری از رفتارها
بر اساس عادت بدست می آیند و اگر
در این تکرار نیت ثواب بردن داشته
باشیم، آن عمل عبادت محسوب می -
شود!

ج - او مسئول اعضای بدن که
الله تعالی به او بخشیده است، می باشد.

الله تعالیٰ می فرماید: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا
لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ
وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾
[الإسراء: 36] (و پی چیه زی نرو که
نسبت به آن علم نداری! زیرا گوش،
چشم و دل همگی درباره‌ی آن مورد
سوال واقع می‌شوند).

د- او مسئول ناموس و شرفش می باشد: پروردگارش ان بی - بندوباری را به صورت آشکار و نهان حرام نموده است و راههای رسیدن به آن را بسته است. این در حالی است که الله تعالی ازدواج شرعی را حلال نموده است و در آن حفظ شدن زن و

شوهر و فرزندان را قرار داده است و همچنین امر به اجازه خواستن [برای داخل شدن به خانه و همچنین خواستگاری] نموده است و امر نموده است تا جوارحی که پستچی رسیدن به حرام است، از آنها محافظت به عمل آید... برای هر فردی در اجتماع

حقوقی قرار داده است و بر او
واجباتی قرار داده است که تا زمانی
که به آنها وفا کند، پاداش می‌بیند و
وقتی در آنها اهمال می‌ورزد، هلاک
می‌شود!!

ه- همچنین او مسئول مالش
است: مال وسیله‌ی زندگی است و

بدون آن کاری نمی‌توان انجام داد. الله
تعالی بندگان را به کسب حلال و
کوشش بر روی زمین برای کسب
روزی به شکل مشروع آن امر فرموده
است و همچنین امر نموده است که از
آن مال آن قسمتی از آن که حق الله
تعالی در آن وجود دارد به مستحق آن

برسد و شامل زکات و صدقه می باشد.
همچنین رباخواری، دزدی، خیانت و
خوردن اموال مردم از روی باطل را
حرام کرده است. الله تعالی مال را
برای این داده است تا بر اساس امر او
خرج شود و این خرج کردن در راه
حرام نباید باشد و همچنین نباید به

گونه‌ای که فایده‌ای نمی‌رساند، ذخیره گردد.

و- مسلمان مسئول می‌باشد تا تبلیغ نماید و به سوی الله وَعَلَيْكُمْ با اخلاق و سلوکش دعوت دهد، تا آن که دین الله تعالی را در قلب و جوارح هر کسی که به الله تعالی ایمان دارد، زنده

نماید. الله تعالى می فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [يوسف: 108] (بگو: این راه من است که با بصیرت به سوی الله [تعالی] دعوت می دهم. [این عمل] من و کسانی است که از من تبعیت می -

کنند و پاک و منزّه است الله و من از
مشرکان نمی باشم).

الله عَلَيْهِ السَّلَامُ عزیز خود صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را با این
سخن ستایش می نماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَى
خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: 4] (و تو بر
اخلاق سترگی می باشی). ابودرداء رَضِيَ اللهُ عَنْهُ
از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آورده است: «ما من

شیء أثقل فی المیزان من حسن
الخلق» (هیچ چیز در ترازوی اعمال
سنگین تر از اخلاق نیکو نمی باشد)
[مسلم]. این چنین بود اخلاق نیکوی
پیامبر ﷺ که در تمامی اصحابش
رضوان الله علیهم منعکس شد و آنان

اسوه‌هایی شدند که در هر زمانی از
آنها تبعیت می‌شود.

بنابراین: بر تمامی ما واجب
است تا در انتخاب دوست و همشنین
دقت کنیم، زیرا گفته شده است:
«همشنین [انسان را به سوی خود]
می‌کشد».

همچنین گفته شده است:

إذا كنت في قوم فصاحب

خيارهم

اگر در بین قومی بودی، با

بهترین آنها همنشین شو!

ولا تصحب الأردى فتردى مع الردى

و با انسان پست همشنین مشو که

همراه پست شدن باعث پست شدن تو
می شود.

عن المرء لا تسأل وسل عن

درباره‌ی شخص سوال نکن! بلکه از

قرینه فکل قرین بالمقارن یتقدی

همنشین او سوال کن که هر کسی به

همشنین خود اقتدا می کند

دائماً خود را زیر نظر الله وَعَلَيْكُمْ دانستن و
فروتنی در پیشگاه الله سبحانه و
مجاهدت با نفس و حفظ و تربیت آن
بر اساس آنچه الله تعالی و رسولش صَلَّى اللهُ
دوست دارند و همچنین انتخاب
دوستان صالح، از بزرگترین اموری
است که تعیین کننده‌ی اخلاق نیکو و

ملحق شدن به رسول ﷺ و صحابه -

اش ﷺ

می باشد. از الله تعالی درخواست می -

نمایم تا از روی کرم و منت همه ی ما

را با آنها در یکجا جمع نماید!

ز - مسلمان مسئول اجتماع و

وطنش می باشد. اگر رفتار ما بد شود

یا اصلاح گردد در نتیجه‌ی آن اجتماع
ما نیز بد می‌شود و یا اصلاح می‌یابد.
اجتماع چیزی جز افرادی که در کنار
یکدیگر جمع شده‌اند نمی‌باشد. **اللَّهُ وَجَدَكَ**
انسان را انسان نامیده است، زیرا او
نسبت به کسانی که اطراف او هستند،
انس پیدا می‌کند. اجتماع همان چیزی

است که سرشت از آن تأثیر می‌گیرد
و اگر آن رشد یابد نفس و روح رشد
می‌یابد و اگر جامعه فاسد شود، مردم
آن بیمار می‌گردند.

وطن شامل چیز است که
اجتماع و فرد آن را تشکیل می‌دهند و
آن زمینی است که شخص بر خاک آن

راه می‌رود و در آن لین طرف آن
طرف می‌رود. آن مادری مهربان و
پدري دلسوز و آغوشي گرم می‌باشد؛
بنابراین بر ماست که همگی ما با
خون، روح و اموالمان از آن حملیت
کنیم و به تمامی آنچه الله تعالی در آن
به ما نعمت داده است، اشتیاق داشته

باشیم تا زمین آن را سالم نگه داریم و
آسمان آن را صاف گردانیم و از
صاحبان امر آن اطاعتِ [در امور
حلال] داشته باشیم و از ثروت‌های
آن و مال و یملک آن و سازمان‌های
آن نگهداری کنیم. تمامی ما مسئول
امتی می‌باشیم که همراه آنها ذلیل

می شویم و همراه آنها عزت می یابیم.
پیامبر ﷺ فرموده است: «مثل المؤمنین
فی توادهم وتعاطفهم وتراحمهم
كالجسد الواحد إذا اشتكى منه عضو
تداعى له سائر الجسد بالسهر
والحمى» (مثال مؤمنان در دوست
داشتن یکدیگر و عاطفه داشتن به

همدیگر و مهربانی آنها در برابر هم،
به مانند یک بدن می باشد که اگر
عضوی از آن دچار مشکل شود،
بقیه ی بدن دچار بی خوابی و تب می -
گردد) [مسلم].

ح - همچنین مسلمان مسئول
سخنش می باشد. از نعمتهایی که قابل

شمارش نمی‌باشد و الله تعالی آن را
بخشیده است، نعمت سخن گفتن می-
باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَلَمْ نَجْعَلْ
لَهُ عَيْنَيْنِ * وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ * وَهَدَيْنَاهُ
النَّجْدَيْنِ﴾ [البلد: 8-10] (آیا برای او
دو چشم قرار ندادیم * و زبان و دو
لب * و او را به دو راه [خیر و شر]

راهنمایی نمودیم)، سخنان غالباً از دهان خارج می‌شود و دهان مکان چندین غریزه است، غریزه‌ی مثل سخن گفتن، خوردن، آشامیدن و توشه برداشتن؛ به همین دلیل اسلام به آن توجه داشته است و از آن برحذر داشته است، پیامبر ﷺ فرموده است:

«من یضمن لی ما بین لحييه وما بین
رجليه أضمن له الجنة» (کسی که آنچه
بین ریش و سبیل او است و آنچه بین
دو پایش می باشد را برای من تضمین
کند، بهشت را برای او تضمین می کنم)
[بخاری (بخارایی)]، همچنان فرموده
است: «من کان یؤمن بالله والیوم

الآخر فليقل خيراً أو ليصمت ومن كان
يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يؤذ جاره،
ومن كان يؤمن بالله واليوم الآخر
فليكرم ضيفه» (کسی که به الله و
آخرت ایمان دارد، پس سخن خیر
بگوید و یا سکوت نماید و کسی که به
الله و آخرت ایمان دارد، همسایه‌اش

را آزار ندهد . کسی که به الله و
آخرت ایمان دارد، پس مهمانش را
گرامی دارد) [بخاری(بخارایی)].

بنابراین: از صفات مؤمن
راستگو این است که در سخن گفتنش
انضباط داشته باشد و ارزش آن را

احساس کند و این امر از تقوای -
باشد.

الله تعالی می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ
هُمُ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ [المؤمنون: 3]
(و [مؤمنان] کسانی هستند که از سخن
لغو روی بر می گردانند).

الله تعالیٰ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا

سَدِيدًا * يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ

لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ

فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: 70-71]

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از الله

تقوا پیشه کنید و سخن درست به زبان

بیاورید * [در نتیجه‌ی آن] برای شما
اعمالتان را اصلاح می‌گرداند و
گناهان شما را برای شما می‌آمرزد و
کسی که از الله و رسولش اطاعت کند،
همانا به کامیابی بزرگی دست یافته
است).

سخن دارای منزلت بزرگی
است؛ آن باعث وارد شدن به آتش
جهنم و یا وارد شدن به بهشت می-
شود. پیامبر ﷺ فرموده است: «إن العبد
لیتکلم بالكلمة من رضوان الله لا یلقى
لها بالاً یرفعه الله بها درجات. وإن
العبد لیتکلم بالكلمة من سخط الله لا

يلقى لها بالأ يهوى بها فى جهنم»
(بنده سخنی را که هـ ورد رضایت الله
[تعالی] است را به زبان هـ ی آورد در
حالی که توجهی به آن ندارد و توسط
آن الله [متعال] درجات او را بالا می-
برد و بنده سخنی را به زبان هـ ی آورد
که خشم الله [متعال] در آن قرار دارد

و به آن توجهی نمی‌کند و توسط آن
در جهنم انداخته می‌شود)
[بخاری (بخارایی) و مسلم].

به همین دلیل گفته شده است:
«زبان تو قلعه‌ی تو می‌باشد، اگر از
آن نگهداری کنی از تو نگهداری می‌-
کند و اگر به آن خیانت کنی او به تو

خیانت می‌کند و او راننده و سواری تو
در روز قیامت می‌باشد».

به همین دلیل الله تعالی آن را
بین دو فک و دو لب و بدنه صورت
یکتا قرار داده است! ولای بالین
وجود، چقدر قیام، گردنکشی و قتل
آن زیاد می‌باشد! همچنین باید در نظر

داشت که برترین مسلمان و برترین
مردم کسی است که مسلمانان از زبان
و دست او سالم بمانند. همان گونه که
پیامبر ﷺ فرموده است: «المسلم من
سلم المسلمون من لسانه ویده،
والمهاجر من هاجر ما نهی الله عنه»
(مسلمان کسی است که مسلمانان از

زبان و دست او سالم بمانند و مهاجر
کسی است که از آنچه الله [تعالی] از
آن نهی فرموده است، جدا شود)
[صحیح بخاری (بخارایی)].

این سخن پیامبر ﷺ است که
معاذ بن جبل رضی الله عنه را به همگی خیر
راهنمایی می‌نماید. به او فرموده است:

«... ألا أخبرك بملاك ذلك كله» (آیا
تو را از ملاک تمامی آن باخبر نسازم)
گفتم: بله، ای رسول الله! زبان را
گرفت و فرمود: «کف علیک هذا»
(این را از خودت حفظ کن!). گفتم:
ای رسول الله! آیا ما به واسطه‌ی آنچه
می‌گوییم، مواخذه می‌شویم؟ فرمود:

«ثکلتک أمک یا معاذ، وهل یکب
الناس فی النار علی وجوههم إلا
حصائد ألسنتهم» (ای معاذ! مادرت
بی فرزند شود! آیا چیزی مردم را با
صورت‌هایشان داخل آتش جهنم می-
کند، مگر ما حصل زبان‌هایشان)
[ترمذی].

گفته شده است:

يصاب المرء من عشرة بلسان
وليس يصاب
فعثرته في القول تذهب رأسه
وعثرته بالرجل

الله تعالى ابن آدم و عمل او را

که شامل خیر و شرّ می باشد، ضبط

می نماید.

الف - همراه او دو فرشته قرار
می‌دهد که هر چه را که به زبان می‌ی -
آورد را می‌نویسند. الله تعالی می‌ی -
فرماید: ﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ
رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ [ق: 18] (سخنی را به
زبان نمی‌آورد مگر آن که نزد او تحت
نظر دارنده‌ی حاضری وجود دارد). به

همین دلیل شخص باید در هر سخنی
که به زبان می‌آورد، خود را زیر نظر
الله تعالی ببیند و در این صورت است
که الله تعالی او را از آزار دادن مردم
حفظ می‌کند، پیامبر ﷺ فرموده است:
«من حسن إسلام المرء تركه ما لا
يعنيه» (از نیکویی اسلام شخص این

است که آنچه که به او مربوط نمی -
شود را ترک نماید) [ترمذی].

ب- دروغ گفتن را برای وی
حرام نموده است. پی مامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده
است: «عليكم بالصدق؛ فإن الصدق
يهدى إلى البر، وإن البر يهدى إلى
الجنة، وما يزال الرجل يصدق ويتحرى

الصدق حتى يكتب عند الله صديقا،
وإياكم والكذب، فإن الكذب يهدى
إلى الفجور، وإن الفجور يهدى إلى
النار، وما يزال الرجل يكذب ويتحرى
الكذب حتى يكتب عند الله كذابا»
(راستگویی بر شما واجب است؛
راستگویی به سوی نیکی هدایت می -

کند و نیکی به سوی بهشت هدایت
می‌نماید و شخص دائماً راست می‌-
گوید و به دنبال راستگویی می‌رود تا
آن که نزد الله [تعالی در پرونده‌ی
اعمالش] صدیق (بسیار راستگو) نوشته
می‌شود و شما را از دروغگویی نهی
می‌کنم. دروغگویی به سوی فجور

هدایت می‌کند و فجور به سوی آتش
جهنم هدایت می‌نماید، شخص دائماً
دروغ می‌گوید و به دنبال دروغ می‌-
رود تا آن که نزد الله [تعالی در
پرونده‌ی اعمالش] کذاب (بسیار
دروغگو) نوشته می‌شود [صحیح
مسلم].

مان صدقی عند الناس کذبهم وهل يطابق معوج بمعن

عیبجویی کردن به نیت

خنداندن مردم و نوشتن اباطیل و

انتشار دادن آن و ستایش فاسقان و

تمجید از فرومایگان و ... همگی

دروغ هستند و زشت‌ترین دروغ،

دروغ بستن بر حقی است که از طرف

الله سبحانه و تعالی نازل شده است و
بعد از آن دروغ بستن بر رسولان و
پیامبرانش بر دینش و بر علمای امت
می باشد.

ج - حرام نمودن غیبت و
خبرچینی همان گونه که در قبل بیان
شد.

د- حرام نمودن لعن و نفرین.

پیدامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «لا یكون

اللعانون شفعاء ولا شهداء یوم القیامة»

(لعن کنندگان شفیعان و شهدای روز

قیامت نیستند) [مسلم].

ه- حرام نمودن مسخره

کردن و به مسخره گرفتن. الله تعالی

می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا
 يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا
 خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن
 يَكُنَّ خَيْرًا مِّنَّهُنَّ﴾ [الحجرات: 11] (ای
 کسانی که ایمان آورده‌اید! قومی از
 شما قومی دیگر را مسخره ننماید،
 باشد که آنان از آنها بهتر باشند و

زنانی، زنان دیگر را مسخره نکنند،
باشد که آنان از آنها بهتر باشند).

و- زشت بودن جدل. پیامبر ﷺ

فرموده است: «ما ضل قوم بعد هدی
کانوا علیه إلا أتوا الجدل» (قومی بعد
از هدایتی که بر آن بودند، گمراه

نشدند، مگر بعد از آن که به بین آنها
جدل ایجاد شد) [ترمذی].

ز- ابوامامه رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله

آورده است: «أنا زعيم بيت في ربض
الجنة لمن ترك المراء وإن كان محققاً،
وبيت في وسط الجنة لمن ترك
الكذب وإن كان مازحاً، وبيت في

أعلى الجنة لمن حسن خلقه» (من
تضمن کننده‌ی خانه‌ای در پایین
بهشت می‌باشم برای کسی که جدل را
ترک نماید، حتی اگر حق با او باشد و
[تضمن کننده‌ی] خانه‌ای در وسط
بهشت می‌باشم، برای کسی که دروغ
را ترک کند حتی اگر به شوخی باشد

و [تضمین کننده‌ی] خانه‌ای در
بالاترین جای بهشت می‌باشم برای
کسی که اخلاق خود را نیکو گرداند
[أبو داود].

گفته شده است:

مزاح فرب لقطه مزاح جلبت إلیک مساوئاً لا

بنابراین:

گریزی نیست که بلید آداب
سخن گفتن را با انتخاب مناسب
کلمات و زمان و مکان آن رعایت
کنیم و همچنین باید حال کسی که
سخن ما را می شنود را مراعات کنیم،
تا آن سخن کامل و درست باشد و
قابل فهم قرار گیرد.

ما امانت را به دوش گرفته‌ایم
و ما در پیشگاه الله وَعَلَيْكُمْ درباره‌ی آن
سوال خواهیم شد. بنابراین باید دائماً
نفس خود را مورد حساب و کتاب
قرار دهیم و اعمالمان را پاک گردانیم
و این احساس را داشته باشیم که الله
تعالی ما را زیر نظر دارد و بدانیم که

الله متعال مهلت می‌دهد، ولی اهمال
نمی‌نماید.

یقین داشتن شخص به این که
الله تعالی او را در هر حالتی زیر نظر
دارد، باعث می‌شود که او سبحانه
شخص را از هلاکت نجات دهد و
البته این شرطی دارد که همان خالص

نمودن نیت می‌باشد و لیکن الله متعال
است که به سوی راه درست هدایت
می‌نماید.

مراجع:

- 1- القرآن الكريم. 2- موسوعة الحديث الشريف - الكتب الستة - دار السلام للنشر والتوزيع، 1421هـ ق - / 2000م، چاپ دوم. 3- عدنان محمد آل عرعور، السبيل إلى منهج الطائفة

المنصورة، صفات الطائفة المنصورة
ومفاهيمها، مؤسسة قرطبة للطباعة
والنشر والتوزيع، 1416هـ - ق - /
1995م، چاپ دوم. 4- الإمام شيخ
الإسلام ابن تيمية، الحسنه والسيئه، دار
الكتاب العربى، بيروت،
1427هـ / 2006م.